

ستاره شب!

مجموعه‌ی خاطرات بستگان و دوستان
سید آزادگان، حجت الاسلام والمسلمین، سیدعلی اکبر ابوترابی

حسن شکیب زاده

تقدیم به روح بلند

و دستان گرمش که بگیرد دستم!

انتشارات اندیشه زرین

۱۳۸۹

سرشناسه: شکیب‌زاده، حسن، ۱۳۳۶-، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: ستاره شب / به کوشش حسن شکیب‌زاده.

مشخصات نشر: قزوین: اندیشه زرین، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۷-۸۷-۵۵۱۹-۶۰۰-۹۷۸

یادداشت: فیبا

یادداشت: عنوان دیگر: ستاره شب، مجموعه‌ی خاطرات بستگان و دوستان سید آزادگان، سیدعلی ابوترابی

عنوان دیگر: ستاره شب، مجموعه خاطرات بستگان و دوستان سید آزادگان، سیدعلی اکبر ابوترابی

موضوع: ابوترابی، علی اکبر، ۱۳۱۸-۱۳۷۹

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷-، آزادگان -- خاطرات

رده‌بندی کنگره: ۷۲۳/۱۶۲۹ DSR ۱۳۸۸ ش.

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۵۱۲۴



تهران- صادقیه- بلوار فردوس- خیابان ولی عصر- خیابان ششم- شماره‌ی ۸- تلفن: ۴۴۰۸۲۵۶۹
قزوین- خیابان نادری شمالی- شماره‌ی ۵۴- تلفنکس: ۳۳۲۸۳۷۰-همراه: ۰۹۱۲۵۸۲۸۰۳۸

ستاره شب

مؤلف: حسن شکیب‌زاده

طرح جلد: فاطمه شکیب‌زاده

صفحه‌آرا: مهدی شکیب‌زاده

حروف‌نگار: سکیته رفیعی زاده- فرشته کیماسی

ویراستار: آرش شایسته‌نیا

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ و لیتوگرافی: سعیدی

شابک: ۷-۸۷-۵۵۱۹-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

مرکز بخش: قزوین- جنب امام زاده حسین (ع)- مرکز فرهنگی گلزار شهدا- تلفن: ۲۵۷۷۷۷۳-۲۸۱

فهرست:

سرآغاز ۱۱

فصل اول:

خاطرات خانواده و بستگان ۱۳

در خواب شفا گرفتم ۱۵

دعا برای غلامرضا جا انداز ۱۷

باران که آمد! ۱۸

سوپ برای طلبه ۱۹

تنهایی روی قاطر ۲۰

روزه کله گنجشگی! ۲۱

مرا نخواهید دید ۲۲

حجره در مشهد ۲۳

باغ سبز نشان ندهید ۲۴

یوسف گم شده ام! ۲۵

سفر وداع بچه ام! ۲۶

- دوری و غربت تمام! ۲۷
- منتظر بچه ام بودم ۲۸
- آخرین شناسایی! ۲۹
- بزرگترین مرغداری! ۳۳
- برخورد با کفتر بازا ۳۴
- وضع اقتصادی نامطلوب ۳۵
- مشوق من! ۳۶
- سفر مشهد با مهمات! ۳۸
- توجه به حاشیه ها! ۴۰
- مسوول غذا ۴۱
- فرزند من! ۴۲
- یوسف من! ۴۳
- من در عراق هستم! ۴۴
- بوسیدن لاستیک ماشین ۴۵
- شلوار را آقای ابوترابی دوخته ۴۶
- برای ما خانه ساخت ۴۷
- آقا جون نگرانند! ۴۹
- نانوای ورشکسته ۵۰
- جهیزیه خوشبختی نمی آورد! ۵۱
- خرید آیینه و شمعدان ۵۲
- تا اراک می رفتیم ۵۳
- آقا علی بن موسی الرضا(ع) ۵۴
- اعلامیه های رمزدار ۵۵
- حاجتم را گرفتم ۵۶

- فراری زندانی اعدامی ۵۷
- بساط نوحه خوانی ۵۸
- پرداخت پول لاستیک ۵۹
- باورشان نمی شد! ۶۰
- قدمش خیر بود ۶۱
- ببخشید اشتباه شده ۶۲
- آرام کردن نوزاد ۶۴
- ایشان مفقود الاثرند ۶۵
- به همسرتان خدمت کنید ۶۶
- آنجا به یاد ما ۶۷
- بچه لباسم را خیس کرد ۶۸
- در حیات هستم ۶۹
- شبانۀ به قم رفتیم ۷۰
- احترام به مادر! ۷۱
- سارق ماشین ۷۲
- چرا اینجا خوابیده اید؟ ۷۳
- اختلاف زن و شوهر! ۷۴
- حمل اسلحه! ۷۶
- فالگیر! ۷۷
- اعتراض به مدیر دبستان! ۷۸
- به بهانه بازی! ۸۰
- انتقاد از تلویزیون! ۸۱
- دوران کودکی مان! ۸۳
- فرار از دست ساواک! ۸۴

برف روی پشت بام ها! ۸۶

جاسازی اسلحه! ۸۷

گشت شب! ۸۸

فصل دوم:

خاطرات دوستان و نزدیکان ۹۱

دلخوری ارباب رجوع! ۹۳

نگهبانی حاج آقا! ۹۵

ماهی دریا! ۹۶

سلطان قیس! ۹۹

مریدا! ۱۰۰

پارتنی ما! ۱۰۲

نان و آب دوغ! ۱۰۴

کاشی خوابا! ۱۰۵

همت حاج آقا بودا! ۱۰۶

دستگیری در پاسگاه! ۱۰۸

رئیس کمیته و حلال مشکلات ۱۱۱

روزه سیاسی ۱۱۳

جوان باوری! ۱۱۵

چشم بسته ۱۱۷

با تاکسی آمد ۱۱۸

چه باید کرد؟ ۱۲۰

غذا خوردن! ۱۲۲

می خواهم آسید علی باشم! ۱۲۳

برگشت به کار ۱۲۴

خانه ای آتش گرفت	۱۲۶
مثل آهوا	۱۲۷
وسیله نجات	۱۲۸
فصل سوم:	
بازگویی روز عروج	۱۳۱
کاش آن روز نمی آمدا	۱۳۳
آن شب ایشان ۳ بار استخاره باز کردند!	۱۴۰
خداحافظی آخر!	۱۴۵
من مسافر دارم	۱۴۷
سفر آخر!	۱۴۸
یاسر گریه کرد!	۱۴۹